یادداشت

یادداشتی بر نمایشگاه لادن قاجار

مهدی بساد باغیان



لادن قاجار متولد تهـران و فارغ التحصیل رشـته هنرهای تجسـمی از دانشـگاه هنر شیکاگو می باشد.

او بعـد از سـالهای متمـادی مطالعه در حوزه‌های فلسفی، اجتماعی، علمی، ادبیات، در نهایـت به روانشناسـی روی آورد. ورود او به دنیای هنر در یک رویای حقیقی در سـال ۱۳۸۰ بر او آشکار شد.

وی در سـال ۱۳۸۵ موفـق بـه دریافت بورسیه کامل از دانشـکده هنرهای تجسمی شیکاگو وابسـته به موزه هنر شـیکاگو شد. چندی پیش بـه گالری قاف رفتیـم تا برای نخستین بار آثار این هنرمند نقاش را در ایران و در نمایشـگاهی با عنـوان «دگرگونی» به تماشا بنشینیم:

در این نمایشگاه و در تقسیم بندی کلی با سه گونه اثر مواجه بودم:

۱-آثاری فانتزی که جهان رویا را به تصویر می کشد

۲-آثاری کـه فاصله بین ذهـن و عین را نمایان می کرد

۳-آثاری که حقیقت مجهول و عینی آینده را نشان می داد

آنچه در وهله اول برجسـته تـر از هر چیز دیگری در فضای نمایشـگاه جلوه گری می کرد، رنگ بود. اسـتفاده از رنگ های شـاد و گوناگون در یک ترکیب بندی سـازماندهی شده و در کنار هم، حاکی از کاراکتر آرام و بی تنش هنرمند در کنار دانش و مهارتِ به خدمت گرفتن رنگ برای آفرینش و بیان چالش های ذهنی وی است. جز در برخی موارد که اغراق در استفاده از غلظت رنگ، برای بیانگریِ معنا و توجه گرفتن بیشتری از مخاطب وجود دارد، در مجموع می توان گفت که لادن قاجار انصافا در این زمینه و بواسـطه میزان تاثیر گذاری اش موفق بوده است. اگر بخواهم درباره هرسه گونه از کار بطـور مجزا توضیـح مختصری بدهم باید گفت:

دسـته اول: بـا کمک خطوطـی که بوی ناخودآگاه می دهد و رنگ و بوسـیله تکنیک محو شـدگی و بروز و ظهور ابجکت ها بدون منطق حاکم بر دنیای واقعیت، گویی لذت نابی راعریان می کند با وجود اینکه از هیچ منطقی در چینش ابژه ها بهـره نمی برد، اما شـاید بواسطه انطباق این تجربه ها با تجاربی مشابه در ذهن مخاطب آن را قابل درک می کند.

دسته دوم: آثاری که اگرچه در آن چندان از خط استفاده نشده، اما بواسطه رنگ احساس خط ایجاد و با این ترفند به نوعی فاصله میان ذهن و عین را نشانه رفته است.

دسـته سـوم : گویا مهمترین آثـار این نمایشـگاه و بهانه اصلی برپایـی آن بوده، به آثاری تعلق دارد که هنرمند با کمک تریبون بوم و با مدیای نقاشی، چالش های ذهنی خود را مطرح می کند و اضطراب ناشی از این چالش را به کمک فراواقعیت هایی که انقراض بشر را پیش بینی می کند، به مخاطب انتقال می دهد و بواسطه رنگ و احسـاس خوب ناشی از آن، بیننده را علی‌رغم اضطراب معنایی که بر می انگیزد، در پای اثر نگه می دارد تا قدری بیشتر بیندیشد، که آیا براسـتی هوش مصنوعی و آنچه در پی دارد خطرناک ترین تهدید بشـر قرن بیست و یکم نیست؟



نگاهی چندجانبه به فعالیت‌های مهم‌ترین تالار فرهنگی ایران

بازخوانی تاریخ از قاب تالار رودکی



علیرضا بخشی استوار

«تالار رودکی؛ گرافیک، معماری و هرچه» هشتمین پروژه آرشیوی استودیو کارگاه است که با همکاری مرکز «نبشی» به تماشا در آمد. این پروژه به مجموعه پوسـتر، بروشور، عکس، فیلم و اسـناد رویدادهای اجرایی، نمایشی و موسیقایی تالار رودکی بین سـال هـای ۴۶ تا ۵۷ می پردازد.

آنچنـان کـه در اعلانیـه این نمایشگاه آمده است این گردآوری و نمایش تلاشی است برای جلوگیری از فراموشی و حذف آن چه که بخشی از تاریخ فرهنگ تصویری این دوره است.

این آرشیو با رویکردی بینا رشته ای به نمایش در آمده اسـت. در آن اسـناد مربوط به معمـاری تالار ، پوسترها و بروشـورهای اجراهای تالار رودکی به چشـم مـی خورد.

پوسترهای تالار در این نمایشگاه در پنج بخش مورد مطالعه قرار گرفته است. گرافیک ارکستر سمفونیک، گرافیک اپرا، گرافیک باله، گرافیک برنامه های ایرانی مانند بزرگداشت موسیقی ایرانی و رقص های بومی و ملی و در نهایت نیز گرافیک رسیتال موسـیقی مجلسـی مورد بررسی قرار گرفته اسـت. این پوسـترها و کارهایی گرافیکی همه آثار دو طراح گرافیـک بنام یعنی بهـزاد حاتم و صادق بریرانی است که در آن سال ها رویدادهای رودکی را در قالب پوستر و بروشـور مصور سـازی و طراحی می کرده اند.

برای این نمایشـگاه کتابی نیز منتشر شده اسـت که در بخشی از آن بـه معماری تالار نیـز پرداخته شـده اسـت. در این بخش روایت دسـت نخورده ای از اوراق و تصویر بنای رودکی عرضه می شـود و به معرفی معمار آن یوکینا آفتاندیلیان و تحلیل بنا تالار می پردازد. در این بخش دفتر چه فنی حاوی مشخصات اجرایی بنا بازنشر شده است.

اما این نمایشگاه از سه جنبه قابل اهمیت اسـت. نکته ابتدایی درباره جمع آوری دیتا و رویکردی آرشیو محور است که به لحاظ عملکرد می تواند کمک شایانی به تاریخ نویسان و پژوهشگران این عرصه کند. از سویی از منظر استتیکی و از لحاظ بررسی زیبایی شناسی دوران خاصی از هنر ایران، این آثـار گرافیکی قابل اعتنا و اهمیت هسـتند. و در نقطه سوم می توان از لحاظ جامعه شناسـی مطالعات گسترده ای را در این حوزه صورت داد.

به لحـاظ زیبایی شناسـی آثار گرافیکـی عرضـه شـده در این نمایشـگاه از دو جنبه قابل بررسی است. یکی به صورت مجزا و فارغ از سال تولید و دیگر در بستر تاریخی.



بخش اعظمی از پوسـتر های تالار رودکی هم چنان از تصویری منحصر به فرد بهره می برد . تصاویری که با قرار گرفتن در سـاختار هنر معاصر اکنون هم، پاسخگوی ذائقه مخاطب امروز هست و چه بسا نسبت به ذائقه امروز کمی پخته تر و از سویی زیباتر به نظر مـی رسد. بسـیاری از این پوسترها به لحاظ ساخت و زیبایی شناسـی آن چنان نوین و پیشـرو هسـتند که می توان آن ها را در هر قالبی و در هر زمان و مکانی خوانش کرد.

این پوسترها زبانی جهانی دارند. اگر آن ها را در هـر نقطه از جهان به نمایـش در بیاوریـم قابل خوانش هستند. این پوسترها هویت منحصر و متکی به خـود را دارند. نه ایرانی اند، نه شرق آسـیایی و نه اروپایی. جهانی اند. شاید یکی از انتقادهایی که به آثـار گرافیکـی آن دوره، به خصوص تالار رودکی وارد می کنند نوعی بی هویتی این پوسـترها و در لفظی نه چندان سنجیده، توریست پسـند یا اروپایی پسـند بودن این پوسـترها اسـت. اما این پوسترها نمایه ای از زیست هنرمند در دورانی خاص و فهـم او از آثاری اسـت که قصد داشته طراحی گرافیکی آن را انجام بدهد.

اگر به شرایط زیست هنرمند در آن دوران بنگریم متوجه آن خواهیم بود که نوع زندگی و روابط او با جهان خارج به نحوی بـوده که نمی توان زیبایـی شناسـی او را از هویتش و از خـود او جدا کـرد. در حقیقت این خوانـش که چرا پوسـترهای این هنرمندان رنـگ و بویی ایرانی ندارند، پرسش های نا به جا به نظر می رسد.

بیشتر پوسترها و آثار گرافیکی به نمایش در آمده از تالار رودکی ملهم از «پاپ آرت» به شیوه ای آمریکایی اسـت که در دهه ۶۰ میـلادی و همزمان با اوج گیری جنبش مینی مالیسـم در اروپا و آمریکا شـکل گرفتـه. از لحاظ زیبایی شناسـی می توان رد آثار «انـدی وارهول» مانند تابلوی مشهور «مرلین مونرو» او را در کارهـای گرافیکـی تالار مشاهده کرد. و البته بخش اعظمی از هنرمندانی که در آمریکا و اروپا ، در آن سال ها فعالیت می کردند.

حتی شکل بی قاعده و خاصیت انبوه سـازی تصاویر ایـن دوره از تاریخ هنر در شـکلی گسـترده در گرافیک تالار رودکـی وجود دارد. این آثار در سـاده ترین و با کمترین اطلاعـات تصویـری شـکل می گیرند و از این لحاظ تصاویری قابل تکثیر هستند.

یکی دیگر از نکات مثبت در آثار گرافیکـی تالار رودکـی، انعکاس روحیـه تجربه گـرای هنرمند در میان آثار نمایشگاه که در یک مسیر مشـخص حرکت نکـرده و در این سـال ها تصاویر مختلف و متنوع را خلق کرده است.

یک نکته قابل توجه دیگر درباره این نمایشگاه پرداختن به یک معمار سرشناس ایرانی است که اطلاعات اندکی از او در دست بوده و با وجود اطلاعات به دست آمده از او می توان بخش مهمی از تاریخ معماری ایران را مورد بازنگری قرار داد.

پوسترهای تالار در این نمایشگاه در پنج بخش مورد مطالعه قرار گرفته است. گرافیک ارکستر سمفونیک، گرافیک اپرا، گرافیک باله، گرافیک برنامه‌های ایرانی مانند بزرگداشت موسیقی ایرانی و رقص‌های بومی و ملی و در نهایت نیز گرافیک رسیتال موسیقی مجلسی مورد بررسی قرار گرفته است

گالری گردی

نگاهی به نمایشگاه عکس «کی یف؛ شهر انقلاب و زندگی»

جریان زندگی در رگ‌های یک شهر



آیین گشایش نمایشگاه عکس انفرادی علیرضا بهرامی با عنوان «کی یف؛ شهر انقلاب و زندگی» در گالری شهر کتاب فرشته برگزار شـد. به گزارش هنرآنلاین، مراسم افتتاحیه نمایشگاه عکس «کی یف؛ شهر انقلاب و زندگی» با آثاری از علیرضا بهرامی از انقلاب سال ۲۰۱۴ اوکراین در محل گالری این مجموعه فرهنگی ـ هنری و در ادامه مجموعه برنامه‌های هفته گفت‌وگوی فرهنگی ایـران ـ اوکرایـن و با همکاری سفارت اوکراین در تهران، همراه با بداهه‌نوازی سه‌تار حمید اسماعیل‌زاده برگزار شـد. در این آیین که با حضور کاردار و وابسته و همچنین دبیر سفارت اوکراین در ایران برگزار شد، چهره های فرهنگی و هنری چون سیف‌الله صمدیان عکاس، فیلمساز و رییس انجمن ملی عکاسـان ایران، سیدمجتبی حسـینی معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، هادی مظفری مدیرکل دفتر هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مهرداد ذوالنور گرافیست، عکاس و فیلمساز، حمید فروتـن رییس هیات مدیره انجمن صنفی عکاسـان مطبوعاتی، فرهاد عابدینی شـاعر پیشکسوت، سیدمحمد طباطبایی مدیرکل روابط عمومـی معاونت فرهنگی وزارت ارشـاد، مجید فروغی مدیرکل روابط عمومی معاونت هنری وزارت ارشـاد، مرتضی فرج‌آبـادی معاون چندرسـانه‌ای خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، حسن گوهرپور شاعر و روزنامه‌نگار، انسیه کریمیان شاعر، مسعود شهریاری شاعر و ناشر، حامد کیان موزیسین و ترانه‌سرا، سعید اسلام‌زاده شاعر و مجری رادیو و رؤیا جدیدی، تهیه‌کننده و مجری تلویزیون نیز به تماشای عکس‌های علیرضا بهرامی آمدند. در حاشیه مراسم افتتاحیه این نمایشگاه، اهالی هنر و فرهنگ حاضر در گالری درباره آثار علیرضا بهرامی و حال و هوای عکس‌های کی‌یف در دوران انقلاب سال ۲۰۱۴ صحبت‌هایی بیان داشتند.

زندگی روزمره در تک تک عکس‌ها هویداست

هادی مظفری مدیرکل جدید دفتر هنرهای تجسـمی وزارت فرهنگ و ارشاد درباره فضای عکس‌های این نمایشگاه و تاثیر آن بر مخاطب گفت: به نظر من اینکه یک اتفاق سیاسی بر سایر حوزه‌های زندگی مردم در کشور تاثیر گذاشته و یک عکاس توانسته به خوبی مسـتند کند، به خودی خود اتفاق قابل توجهی اسـت. جذابیت این عکس هـا و نوع چیدمان قاب ها از آنجا می آید که در تمام این عکس ها حضور مردم و زندگی روزمره آنها محسوس است. از سوی دیگر نشان های یک انقلاب مانند لاستیک ماشین ها و سنگ های کف خیابان به عنوان نشانه های این اتفاق در تک تک عکس ها هویداست. اما به اعتقـاد من عکاس این آثار بانـگاه دقیق و عمیق خود تلاش داشته تا صرفا تصویر گر یک انقلاب نباشد، بلکه زوایای مختلف زندگی و حیات دوباره مردم را به نمایش بگذارد.

لحن ادبیات به عکس تبدیل شده است

مهرداد ذوالنور هنرمند حوزه تجسمی با بیان ارتباط میان مجموعه شعر دوزبانه فارسی ـ اوکراینی علیرضا بهرامی که تازه رونمایی شده و این عکس ها گفت: از آنجا که کتاب را خوانده ام و با آن پیش زمینه فکری به تماشـای عکس ها آمده ام، از یک سو هیجان زده از بابت کتاب و از سوی دیگر به شدت تحت تاثیر عکس ها هستم. صحبت هایی با عکاس این تصاویر درباره روند شکل گرفتن عکس ها داشتیم و به شخصه برای من بسیار جذاب بود، چرا که اتفاقات منعکس شده در رمان و درواقع بخشِ ادبیاتی موضوع، مانند حلقه های زنجیر به اتفاقات درون عکس ها متصل هستند. درواقع این لحن ادبیاتی که به عکس تبدیل شـده برای من بسیار جالب توجه است. معمولا این اتفاق کمتر رخ می دهد که بتوان دو شیوه متفاوت از روایت را کنار هم گذاشت و چنین نتیجه عمیقی از آن به دست آید. آنقدر اتفاقات و المان های عجیب در عکس ها وجود دارد کـه هر کدام به نوبه خود به شـکل عجیبی مخاطب را وارد دنیای خود می کنند و هر عکس داستان واقعی خود را به نمایش می گذارد.

ژورنالیستی که عکاسی و ادبیات را می شناسد

سـیف‌الله صمدیان با بیان نکاتی از شـخصیت هنری ـ فرهنگی علیرضا بهرامی بیان داشـت: او در چند شاخه و با خلاقیت خاصی در حال فعالیت است. او ژورنالیستی بسیار حرفه‌ای است که در عین حال ادبیات را به خوبی می شناسد و شاعر بسیار خوبی نیز هست. در کنار همه این نکات سفرهای بسیاری به سرتاسر جهان داشـته و هر گاه که از سفر باز می گردد سـوغاتی تصویری پربار ی به همراه می آورد. عکس های این نمایشـگاه نیز حاصل سـفر پربار ی است که او به اوکراین داشته و در نوع خود درجه یک. عکاس در این عکس ها با نگاه خلاق و ریزبین خود در مدت کمی پس از روی دادنِ یک انقلاب در شهری مثل کی یف، تجربه ذهنی را که خود از یک انقلاب در کشورش داشته، با نگاهی ادبی تلفیق می کند و ماحصل کار، آثاری با کیفیت بالا می شـود. بهرامی صرفا یک عکاس نیست و با چند وجه فرهنگی ـ هنری به عکاسی می پردازد و همین چند وجهی بودن در نگاهش به آدم های جامعه، گرافیک شهری و حتی به فضای زندگی عادی مردم شهر منعکس است. در واقع این عکس ها ترکیب درستی از جامعه شناسی، ژورنالیسم، ادبیات و شعر و عکاسی است.

فرصتی عالی با عنوان هفته فرهنگی ایران ـ اوکراین

یوگن کروچنکو، وابسته بازرگانی سفارت اوکراین در ایران نیز با ابراز خوشحالی از برگزاری هفته فرهنگی ایران ـ اوکراین عنوان کرد: برگزاری چنین رویدادی یک فرصت عالی است برای آشنایی دو کشـور با فرهنگ یکدیگر. که با رونمایی از ترجمه رمان «خانواده کاتیاش» توسط کاترین کریکونیوک و همچنین کتاب شعر آقای علیرضا بهرامی که به دو زبان فارسی و اوکراینی منتشر شد، آغاز شـد و در ادامه افتتاح نمایشگاه عکسی با مضمون انقلاب اوکراین در سال ۲۰۱۴ و در پایان برگزاری میزگرد و نشستی دیپلماتیک با حضور سفیر اوکراین در ایران را خواهیم داشت. وی از تلاش ها و زحمات شهر کتاب فرشته برای برگزاری این برنامه تشکر کرده و افزود: نمایندگان ما در ایران و هم‌چنین اتباع اوکراین در ایران در این مراسـم حضور داشتند و با نویسـندگان و شاعران و سایر هنرمندان ایرانی آشنا شدند و ما در هر برنامه توانستیم با موسیقی و هنر ایرانی هم ارتباط برقرار کنیم و از این اتفاق بسیار خوشحالیم.